چگونگی تبیین اقتصاد مقاومتی برای مردم

نقش بسیجیان

در ترویج اقتصاد مقاومتی

سردار محمدرضا نقدی

رئیس سازمان بسیج مستضعفین

واحد سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على نبيّنا و حبيب قلوبنا ابى‌القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين

تبریک عرض می کنم این روز مبارک را به همه ی بزرگواران، حلول ماه ذی الحجه الحرام و پیوند آسمانی امیرالمومنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام که بزرگترین نعمات و برکات را برای امت اسلام و جامعه بشری بدنبال داشت که از جمله آنهاست موالید بسیار گرانقدری چون حضرت امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام و میدان هایی که برای بشریت این بزرگواران اداره کردند و درس هایی که آموختند. امیدواریم که این روز بر همه مبارک باشد و بتوانیم قدردان این نعمات الهی باشیم.

جلسه ای که خدمت بزرگواران و عزیزان هستیم تبیین مساله اقتصاد مقاومتی و چگونگی بازگویی آن برای جامعه است. از زبان بسیج و در جامعه بسیج طبیعتا این موضوع از نگاه های مختلف قابل تجزیه و تحلیل و بررسی است مثلا در ابعاد اقتصاد کلان، ابعاد روابط بین الملل و در ابعاد ساختار های مالی یک کشور، وقتی ما میخواهیم به سراغ تبیین این مسئله برای جامعه و برای بسیج برویم ممکن است نا خوداگاه در این مسیر و این ریل ها قرار گیریم که بخواهیم در این افق ها مسئله را طرح کنیم.

این بزرگترین آفت و آسیبی است که ممکن است کار ما داشته باشد ما اول باید بدانیم که هدفمان از تبیین اقتصاد مقاومتی و بحث ترویج گفتمان ولایت در بحث اقتصاد مقاومتی چیست؟ آیا ما می خواهیم یک بحث نظری و تئوریک را بشکافیم و افراد باید روشن بشوند؟ خیر، این نیست حتما این نیست، شاید فقط در یک اقشاری مثل اساتید، اصناف و کارگزاران عالی دولتی اگر ما قرار بگیریم و بخواهیم جلسه ای برای تبیین بگذاریم وارد ابعاد اقتصاد کلان ، مسائل روابط اقتصادی بین الملل و امثال این موضوعات بشویم. اما اینجا ما می خواهیم برای بدنه انبوه بسیج و مردم، اقتصاد مقاومتی را بشکافیم، برای آنکه آنها را وارد عمل کنیم تا نقش خودشان را ایفا کنند.

از میان دوازده رکن مهمی که از تحلیل فرمایشات مقام معظم ولایت در خصوص اقتصاد مقاومتی استخراج کردیم شش رکن آن مخاطبش عموم مردم هستند در بقیه موارد نیز مردم نقش دارند و در آن شش رکن دیگر دولت، دستگاه ها و دیگران نقش دارند. اما مخاطب اصلی شش محور از 12 محور و مولفه اصلی ارکان مهم اقتصاد مقاومتی خود مردم هستند که ما بیشتر باید با تاکید بر این شش مولفه و محور، مساله را تبیین کنیم.

نحوه تبیین مطلب هم باید به گونه ای باشد که منجر به عمل بشود. باید حواسمان جمع باشد توجه کنیم که بیان این مساله فقط برای استدلال و اغنای فکری مخاطب نیست که ما فقط یک بحث استدلالی - علمی تئوریک خشک را ارائه بدهیم و ابعاد مسئله را بشکافیم؛ بلکه بایستی توام با شوق، انگیزش و حرکت دادن به فرد و مخاطب باشد. صرف این که ما استدلالی بگوییم اقتصاد مقاومتی این است و حالا این بخش ها عمدتا مربوط به دولت است و این بخشها مربوط به مردم است با استدلال ها و مبانی آنها را تبیین کردیم، کفایت نمی کند. نحوه ی بیان ما و نحوه طرح مطلب ما باید به گونه ای باشد که شوق بیانگیزد در مخاطب و حرکت کند و بیاید به میدان، یعنی شما شب عملیات، طرح عملیات را خشک و خالی تبیین نمی کنید برای بچه ها، مثل جبهه، کالک را بگذاری و بگویی گردان الف از این طرف میرود، اینجا که رسید سکوت می کند تا گردان ب برسد، وقتی خبر دادم حمله می کنیم، اینها رو خشک و خالی که نمی گفتند. شب عملیات با یک روح حماسه با یک زیارت عاشورا با یک حرکتی با یک عشقی با یاد شهدا، یادش بخیر کی ،اینجا چیکار می کرد ،سنگر دشمن وقتی مقاومت میکرد چه کرد، لحظه به لحظه را فرمانده توصیف می کرد برای رزمنده که رزمنده حس بگیره برای عملیات.

اینجا باید شما اگر میخواهید تبیین کنید و تمام بدنه ای که می خواهند بروند نهضت روشنگری که معاونت فرهنگی متولی آنهاست یا نمایندگی برای هادیان سیاسی که می خواهند آماده کنند برای کار، یا تربیت و آموزش یا مربیان یا سر گروه های صالحین، همه اینها که می خواهند آماده کنند؛ برای بیان این مطلب، این را باید قشنگ برای گروه ها تبیین کنند که آقا مساله فقط یک استدلال نیست اول باید در فضای اقتصاد کلان نروید، بیایید در اقتصاد خرد. دامنه ای از مردمی توانند نقش آفرینی عمده داشته باشند و در این دامنه اقتصاد خرد و این محورها و مولفه هایی که مردم مخاطب آن هستند و بدنه مردم هستند توام با انگیزش و شوق دادن و حرکت دادن ،حس دادن برای حرکت و اقدام، که یک رزمنده بیاید به میدان عرضه اقتصاد حضور پیدا کند. اینجوری باید ما مساله را بیان کنیم و شرح دهیم که منجر به عمل شود. نرویم بگوییم طوری نباشد که فقط بگوییم اگر از همه امتحان بگیریم همه بلد هستند، بگوییم راه افتاده اند، چقدر اشتغال ایجاد شد در اثر گفتار ما، چقدر کار ایجاد شد، چقدر مشکلات الگوی مصرف حل شد، یقینا اتفاقاتی می افتد، بالاخره بسیج وقتی دارد وارد عرصه می شود این انتظارات ازش هست. اینجا میدان جنگ است، اینجا ما الان در گیر جنگ اقتصادی هستیم به طور کامل، از همه ابزارش داره دشمن استفاده میکند که ما رو، زمین بزنه. همه استعدادهایش را بکار گرفته و هیچ شوخی هم ندارد. همانطور که در جنگ جنگیدیم باید اینجا هم بجنگیم. تئوری جنگ را بلد باشیم خرمشهر آزاد نمی شود، حالا ما هر چقدر بلد باشیم. تاکتیک چیه، استراتژیک نظامی چیه، سلاح ها را چطور بکار می گیرند، توپخانه چطور شلیک می کنند، چطور نقطه یابی بکنیم، چطور دیده بانی بکنیم، همه را اگر تئوری بلد باشی خرمشهر که آزاد نمی شود، فتح المبین که ایجاد نمی شود، بستان که آزاد نمی شود، برای اینکه اینها آزاد بشوند باید عمل کنی. فلذا تصور نکنیم که مثلا می خواهیم توحید، معاد، نبوت و اصول دین بگوییم بلکه می خواهیم یک طرح عملیاتی را بدهیم تا بچه ها بروند وارد عملیات شوند. نمی خواهیم یک اصول اعتقادی و باوری را بگوییم. بلکه یک طرح و برنامه اجرایی را می خواهیم شرح بدهیم و انگیزه و روحیه بدهیم تا بیایند در عمل. این مساله خیلی مهم است. تاکید بر این مطلب می شود همه این را بدانند.

فلذا بحث ما باید توام با مثال های عملی باشد. مسائل زنده باشد، دوستان بعضی اوقات می گویند شما چرا نسبت به مثال ها حساس هستید، فقط تئوری مطلب را بگویید. ولی این مثال ها مهم است و باید به مخاطب نمونه عملی نشان داده شود. اگر می شود سرگروه ها بیاید و اینها را ببیند، اگر بشود سرگروه حلقه های صالحین، افراد را ببرد تا یک کارگاهی که در آنجا کارآفرینی و تولید شده را از نزدیک ببینند. ما باید تا آنجا پیش برویم و اگر مهارت افزایی لازم است برای اینها آموزش های تخصصی در رشته ای که می توانند فعالیت کنند بگذاریم.

حالا ما از کلیات بیاییم بیرون و در خود این محورها و مولفه ها از این فرصت که داریم یک استفاده خوب و بهینه بکنیم، ببینید این مولفه های اصلی که از فرمایشات حضرت آقا استخراج میشود و در هئیت گفتمان ولایت و تبیین اندیشه ولایت را در آنجا استخراج کردیم و محور ها را بیرون آوردیم اینها چه هستند:

**1- تقویت فرهنگ کار و تولید**

کار ، کار ارزش است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم کف دست های کارگر را می بوسید آنجا که دست فردی زبر است، وقتی به او دست می دهند می فرمایند که چرا دستت زبره؟ او توضیح میده که من با این دست ها طناب میکشم و بیل میزنم و بعد (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:« که این دست ها هیچگاه آتش جهنم را لمس نخواهد کرد.» اینقدر ارزش دارد کارکردن. اشاره به هیچ عنصر دیگری نمیکنند پیامبر عظیم الشان اسلام، طبعا طرفشان مسلمان و مومن بوده اما دیگر به هیچ عنصر دیگری اشاره نمی کنند. این کار این دست ها را از آتش دور می کند.

فلذا این کار اهمیت داره ارزش داره. الان همه فکر میکنند کار یعنی پشت میز نشستن ،افتخار این است که ما اصلا کار نکنیم یک پولی داشته باشیم در بانک و هی زیاد بشه ،سود بیاد روش یا یک زمینی بخریم قیمتش برود بالا. مثلا این خیلی هنره؟ هنر این نیست. هنر این است که انسان از دست رنج بازوهای خودش قوت خود را در بیاورد. یک حالت اضطراری است که کسی نتواند به خاطر یک شرایط خاصی، زحمت جسمی و بدنی به خود بدهد برای کار و تامین قوت خودش.

خوب در این زمینه تا شما بخواهید روایت داریم برای اهمیت کار. حدیث داریم و خود امیرمومنان علیه السلام، پیامبر عظیم الشان اسلام چقدر کار می کردند در گروه هایی که می رفتند، در جنگ ها در سفر ها ....کار می کردند مثل بقیه. خود پیامبر اکرم که اشرف مخلوقات است . بعضی ها آمدند یک انحرافاتی را وارد کرده اند مثلا یک حرف های بی ربطی را نسبت می دهند که ارزش در این است که ما چون مسلمان یا مومن یا مثلا بعضی ها حرفهای افراطی می زنند که ما چون شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام هستیم پس قوت ما را خدا می رساند یعنی اصلا ارزش این است که ما بنشینیم. اما ائمه کار می کردند و بیل می زدند، کلنگ می زدند. خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام اینجور نبوده که فقط بنشینند و بخورند و دیگران بروند کار کنند. این خیلی روایات داره ،آیات داره ،احادیث داره، عزیزانی که می خواهند بروند متن تهیه کنند و برای این که بییند که چی باید بگویند، باید از این آیات و روایات و احادیث استفاده کنند. در مورد ارزش کار روایات، خیلی زیاد داریم، فرهنگ کار که مثلا حالا کسی که در راه "الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله" مثل مجاهد در راه خداست یا کسی که در این راه از دنیا برود شهید است در این دنیا بروند شهید است یعنی خیلی عبادت است. باب بزرگی از این روایات است که میشود همه را آورد و مثال ها که کار کردن ارزش است .خب متاسفانه این یک فرهنگ غلط است که تنبلی و رخوت و نشستن و منتظر بودن؛ خیلی جا ها می بینید که افراد میشینند، قلیان می کشند و در قهوخانه ها ساعت ها می گذارند ،حرکت کنند. افراد باید حرکت کنند برای اقتصاد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ریاضتی نیست. نمی گوید که آقا نخور، هزینه نکن، دست به هیچی نزن. اقتصاد ریاضتی یعنی همین کاری که غرب دارد انجام می دهد. می گویند مالیات را اضافه می کنیم ، از مردم بیشتر می گیریم ، خدمات هم کاهش می دهیم ،می شود اقتصاد ریاضتی.

اقتصاد مقاومتی اقتصاد زنده ،رو به جلو ورشد یابنده است . اقتصاد مقاومتی پاسخ به این سوال است که چگونه می توان در شرایط فشار و تهدید، رشد اقتصادی را ادامه داد و وضعیت رفاه مردم را بهبود بخشید؟

میخواهیم به این سوال پاسخ بدهیم، یکی از کلید های آن کار است ،تنبلی بد است .چقدر ما در مورد رخوت و تنبلی حدیث داریم و از بد بودنش و زشتی آن ،همه اینها را می شود ردیف کرد اسنادش را ارائه کرد .از زبان بزرگان، تفاسیری که روی این احادیث گذاشته شده است می توان به عنوان فصل مهمی از اقتصاد مقاومتی بیان کرد که ما بتوانیم حرکت در بیاوریم جامعه را برای کار کردن و ارزش بودن کار را فرهنگ سازی کنیم.

**2- اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف**

این مستند خیلی روشن از قرآن داره، جاهای مختلف روایات بسیار زیاد داره و میشه به اینها استناد کرد و جمع کرد و مطرح کرد وضرورت آن را بیان کرد.

هم بحث های منطقی و استدلالی داره و هم بحث های روایی و حدیثی و هم ریشه اصلی و مستقیم از قرآن داره. اصلاح الگوی مصرف یکی دیگر از مطالب مهم است. خیلی از مصائبی که امروز بشر گرفتار آن است در محیط زیست به خاطر افراط درمصرف می باشد . اگر ما متعادل از ذخایر و خزائن الهی که در اختیار ما قرار داده شده استفاده کنیم طبیعت هم توازن خودش را حفظ می کند و به اصطلاح عنصری که ما بهره برداری می کنیم ،جایگزین و مرتب می شود و ما باز هم میتوانیم بهره برداری کنیم. اما آن چیزی که امروز محیط زیست را بهم زده، بشر را اساسا در معرض نابودی کامل قرار داده و همه حیات با خطر آن تهدید می شود در روی زمین این اسراف میباشند، بیش از اندازه مصرف کردن و یا تبذیر و ریخت و پاش این هم دیگر توضیح نمی خواهد. هم سال اصلاح الگوی مصرف بوده کتاب های مختلفی نوشته شده ، خود بسیج کتابی در این زمینه نوشته ، کسانی که می خواهند برای این مطلب، متن و مطلب تهیه کنند می توانند رجوع کنند به این کتاب اصلاح الگوی مصرف که تولید سازمان بسیج است و جاهای مختلف دیگر که در این زمینه خیلی کار کردند . یکی از روسای کشورمان که رفته بود در چین، آنجا هنگام شام با رییس جمهور چین، دو تا برنج از بشقاب افتاده بود بیرون، این رییس جمهور برداشته و خورده بود. رئیس جمهور چین گفته بود اگر هر چینی دو تا برنج ازش بیافته و نخوره ضرب و تقسیم کرده بود که چند تن برنج از بین می ره. این یک واقعیت است. حالا ببینید ما چه می کنیم شما بروید شبها در تالارها و مجالس عروسی و ولیمه حاجی ها ببینید چه خبر است؟ چقدر غذا دور ریخته می شود؟! چه کسی اینها رو جمع میکنه؟! چه کسی دقت میکنه که بیشتر تولید نشه و بعد اگر تولید شه به مصرف برسه و به نحو شایسته استفاده بشه؟! چراغ های زیاد، الان همین جا چقدر چراغ روشن هست و کمتر از این نمیشه جلسه رو اداره کرد چرا با نصف این هم میشه. یعنی اینها سبک هایی است که اومده وارد زندگی ما شده. یک خانه در شب با اینکه هیچ یک نمی خواهند مطالعه کنند و می خواهند صرفاً غذا بخورند یا همان خانواده بنشینند تلویزیون تماشا کنند، با بچه بازی کنند، داستان برای هم تعریف کنند با یک لامپ معمولی، روشنایی آنها کفایت می کند. حالا می خواهد مطالعه کند، خُب چراغ مطالعه روشن کند. حالا هر جا می روی می گویند آقا دلم گرفت این چراغ را روشن کن، چقدر اینجا تاریک است. خب چه خبره؟ خود ما در اتاق، بالای سرمان رو روشن می کنیم و چراغ های دیگه را خاموش می کنیم. میگویند چقدر اینجا دلگیر و تاریک است. چشمتان اذیت نمی شه؟ خب چه ایرادی دارد بالای سر من روشن باشد و دیگر جاها تاریک باشد.

چرا ما باید این طور مصرف کنیم؟! در هر جایی از غذا، پوشاک، هزینه برق و گاز و... در خونه ها مون در زمستان با آستین رکابی ، راه می رویم در مقابل گاز و بخاری و شومینه روشن است. در تابستان کولر روشن میکنیم پنجره رو باز می گذاریم. یعنی چی؟ این ها یکی از مشکلات داشتن زیادی است و یعنی ثروت زیادی که ملت ایران دارند یکی از ضربه هایی که می زند مصرف گرایی زیاد و افراطی است. ما در خیلی از جاهای دنیا که رفتیم و دیدیم، شبها پشت پنجره ها رو کیپ می کنند و وقتی همه خانواده آمدن خانه و درب خانه قفل شد سیستم گرمایشی را خاموش می کنند، دیگر نزدیک صبح که میشود می لرزی ، با پتو و .... خودشون را گرم می کنند.

یا مثلا یک ظرف نفتی را که ریختند در بخاری دیگه نفت نمی ریزند و یا مثلا تا ساعت یک شب بخاری روشن است گرما میدهد و بعد خودش خاموش می شود و باید زیر پتو گرم بمانی. اصلا اینطور نیست که تا صبح در خانه هاشان بخاری را روشن بگذارند . ما ها خیلی راحتیم با آستین رکابی و زیر پیراهن می گردیم، و بخاری هم روشن است، گاهی اوقات پنجره هم باز است تا هوا عوض شود. یعنی خیلی اسراف برای ما عادی است.

اسراف آب، گاز، برق، اسراف در غذا، چندین مدل غذا های آنچنانی با مدل های رنگارنگ و بعد دور ریزها، خیلی اسراف متاسفانه بالاست. در صورتی که خیلی صراحت داره قرآن بر ردّ اسراف و خیلی تنده، خب این باید تبیین بشود و مثال های آن زده بشود، خواسته شود که ما الگوی مصرف خود را اصلاح کنیم، کاهش دهیم. سر ماه بیاییم اندازه بگیریم و بگوییم این ماه برقمان اینقدرشده است.

یکی از دوستانمان از کشوری آمده بود می گفت شبها که ما اینجا راه میرفتیم میدیدیم که همه خانه ها خاموش هستند در حالی که اینها رسمشان است که فقط با همان روشنایی تلویزیون در هال خانه شبها زندگی می کنند برق آن کشور گران است و با همان روشنی تلویزیون جابه جا می شوند، غذا می خورند، رفت و آمد می کنند در روشنایی تلویزیون انجام می گیرد، مگر آنکه بخواهند مطالعه کنند اصلا چراغ روشن نمی کنند ساعات اولیه شب فکر می کنی همه خوابیدن چون شهر خاموش است در صورتی که نخوابیده اند و بیدار هستند.

ما اینجا نعمتمان زیاد است، خوب بیاییم ماه به ماه حساب کرده و کنترل کنیم ببینیم چقدر این ماه مصرف کرده ایم؟ کجایش را می توان کاهش داد؟ و چطور می شود کنترل کرد و به حداقل رساند و بهینه کرد و به حد معقول و منطقی رساند؟ نمیخواهیم بگوییم که ما مصرف نکنیم ولی مصرف معقول و منطقی. اسراف نکنیم. در این مساله خیلی صحبت شده و حضرت آقا یک سال را به این نام گذاشته اند.

**3-** **«حمایت از تولید ملی»** که مخاطبش مردم هستند

این مساله بسیار کلیدی می باشد خصوصا امروز در جامعه ما عمده ترین مشکل بیکاری است. الان شما در هر استانی بروی مشکل اول «بیکاری» است و هیچ مشکلی بالاتر از بیکاری نیست. این بیکاری باید چطور حل بشود؟ وقتی ما کالای خارجی را مصرف می کنیم، می شود بیکاری حل گردد؟ نه. کارگر خارجی شاغل می شود، آدم ایرانی هیچی، چه کار کند؟ تولیدی ندارد، کاری ندارد که تولید کند و یا اشتغال پیدا کند و آنهایی هم که الان شاغل هستند هم بیکار می شوند. وقتی جنس از خارج می آید آنهایی که الان شغل دارند هم بیکار و ورشکست می شوند. فلذا ما باید یک مقدار در این مساله تعصب نشان دهیم. این مساله را باید ابتدا تبیین کنیم، برای جوان ها، برای مردم بگوییم که بیکاری مشکل است برای شما یا نه؟ اگر نیست که هیچ اما همه میگویند که هست، هر جمعی که بروید در خانواده خودشان یا همسایه شان یک بیکار است. آقا بیکاری برایتان مشکل هست یا نیست؟ اگر نیست که به سلامت و اگر هست چطور باید حل شود؟ شما اگر کالای خارجی مصرف کنید بیکاری حل می شود یا بیکار اضافه می شود؟ بیکاری زمانی حل می شود که ما کالای داخلی را مصرف کنیم که نیاز به تولید داشته باشد، کارگر حرکت کند، نیاز به شبکه توزیع داشته باشد، یک کسی مواد اولیه بیاورد، یکی تولید کند، یکی توزیع کند و اگر از خارج کالا بیاید، بیکاری روز به روز اضافه می شود. خب بعضی ها ممکن است بگویند قطعات هواپیما اف14 و... ما آنها را هم که درست کردیم، پیچیده ترین ها را درست کردیم. ما نمی خواهیم بگوییم قطعات اف14، قطعات بوئینگ و... چرا شما از خارج وارد کردید؟ مثلا همین شکلات، اسباب بازی، عروسک، توپ، میوه، آبمیوه و... خب یعنی چی ما این ها را از خارج می آوریم؟ باید مصداق هایش را به مردم بگوییم. آقا چرا در برنامه های بسیج که میرویم آب آناناس میدهند؟ مگر در ایران آناناس تولید میشود؟ مثلا ما اين شكممان چي ميشه به جاي آب آناناس، آب سيب بخوريم، آب انگور بخوريم، چرا بايد آب آناناس بخريم؟! چرا بايد موز بخريم؟! مثلا چاي که مي خوريم، نوشيدني است که مال خودمان است، شربت آبليمو بخوريم، شربت آب پرتقال بخوريم، شربت آلبالو بخوريم. چرا بايد قهوه بخوريم كه از خارج وارد ميشه؟! چون در ايران توليد نمي شود. نسكافه بخوريم ضرورتش چيست؟ ميميريم؟ همه اينها را شما بگذاريد روي هم چندين ميليارد دلار واردات می شود.

اسباب بازي، ميوه جات، تنقلات، شيريني جات، البسه اي كه توليد داخل ميشه، كفش و كلاهي كه هست، دفتر و مداد رنگي همه اينها توليد داخل ميشه و اينجا مطلبي است كه ما وقتي مي آييم وارد بحث مي شويم و در بحث هاي ديگر، مي بينيم تمام اقشار بسيج مي توانند مخاطب ما بشوند هيچ قشري بيرون از اين نيست.

مهمتر از همه در اقتصاد مقاومتي در بعد اقتصاد خرد 70 درصد مساله در دست خانم ها مي باشد يعني اگر خانم ها خوب توجيه بشوند، الگوي مصرف در خانه، مصرف كالاي خارجي يا ايراني، مي خواهيم جنس بخريم چه چيزي بخريم، دانش آموز مي خواهد پدرش برایش دفتر و کیف بخرد چه بخرد؟ خب بگويد من ايراني مي خواهم. توجيه كنيم دانش آموزان را چون مي توانند نقش آفريني كنند. استاد دانشگاه مي تواند نقش آفريني كند، پزشك مي تواند در دادن دارو و سفارش هايي كه به بيمارش مي دهد مي تواند نقش آفريني كند.‌ كارگر در توليد با كيفيت كالا تا مردم به كالاي ايراني دلگرم بشوند و احساس نكنند اين جنس ايراني بي كيفيت است مي توانند نقش آفريني كنند، مهندس در همين قضيه مي تواند نقش آفريني كند، استاد دانشگاه و مهندس در ارتباط با صنعت و دانشگاه مي توانند خيلي از كالا هايي كه از خارج وارد مي شود را توليد داخلي كنند و نقش آفريني كنند، تمام اقشار حتی كشاورز نقش آفرين است مثلا همين كه كشاورزان ما قانع باشند در اين شرايط كه حساس است به جاي اينكه كالايي كه مقداری ممكن است زودتر به دست بیاید مانند هندوانه و خربزه، در آنجایی که امکانات و آب و زمین هست تا آنجايي كه مي شود محصولات استراتژيك را توليد كنند. اينها مخاطبش مردم هستند.

الان ما كارخانه روغن داريم که 750 هزار تن مي تواند سويا مصرف كند در سال که در حال حاضر 250 هزار تن به او محصول مي دهند و 500 هزار تن ظرفيتش خاليست در نتيجه بايد از خارج روغن وارد كنيم، از خارج بايد كنجاله وارد كنيم، چون تفاله آن پس از روغن گیری را به مرغ می دهند که آن را هم باید وارد کنیم. در صورتی که ما مي توانيم با جهت دادن در محصولاتمان نقش آفريني كنيم.

كشاورز، كارگر، مهندس، دانش آموز، استاد، زن ها، مردها و همه مي توانند در اين موارد نقش آفريني كنند كه تولید ما تولید داخلی باشد و مصرف ما مصرف داخلي باشد. بايد جلوي اين تبليغات بي رويه كه متاسفانه درب و دیوار و فضای شهر را پر کرده است بایستيم، اعتراض و مخالفت كنيم. شما ببينيد در بعضي كشور ها چه مي كنند؟ در همين كره جنوبي كه به راحتي در و ديوار هاي ما را اشغال كرده و تبليغ محصولات خودش را مي كند، وقتي تصميم مي گيرد دولت كه از آمريكا گوشت وارد كند، دامداران مي آيند جلوي وزارتخانه كشاورزي خودشان را آتش مي زنند و واقعا يك نفر آنجا كشته مي شود. اين جوري اعتراض مي كنند، تظاهرات چند ده هزار نفري و صد هزار نفری در پايتخت مي كنند كه مثلا گندم که ما داریم را چرا وارد مي كني؟ برنج را که ما داریم را چرا وارد مي كني؟ اعتراض مي كنند.

ما خيلي راحتيم با واردات. خيلي راحت. فرهنگمان جوري القاء شده كه هر چي از خارج اومد خوبه و هر چي در داخل است بد است. حجاج ما مي روند در حالیکه چقدر حضرت آقا نصيحت كردند كه نرويد و از همين جا سوغاتي بخريد. آيا همه گوش مي كنند؟ وقت طلايي كه بايد رفت مسجد الحرام و مسجد النبي زيارت كرد كه يك دقيقه آن اصلا قابل ارزشگذاری نيست كه بگویيم چقدر مي ارزد را به بازار می رود و چندین ساعت در بازار چانه مي زند كه يك مشت آشغالي كه مي آورد اينجا و يا اقلامي كه مي آورد اينجا، تسبيحي كه تا ميگي سبحان اله بندش پاره مي شود و دوام آن به يك روز نمي رسه.

اينها را بايد تبيين كرد و مثال هايش را آورد كه چرا ما بايد كالاي خارجي وارد كنيم؟ چرا؟ گل هاي تزئيني و گل پلاستيكي براي چي بايد از خارج بيايد؟ ميميريم... مشكلي پيش مي آيد... خب نخريد. بگوييد ما اين را داخلي اش را مي خواهيم. من شايد به شما گفته باشم با تاجري جلسه گذاشته بودم درباره قاچاق كالا، يك تاجري در جلسه بود كه می گفت: من به فرانسه رفته بودم و در ایران قاب توليد مي كرد و ديدم مثل همون قاب رو داره و عین همون را توليد مي كند اما قيمتش 5 برابر قيمت من هست. گفتم من 2 برابر ارزانتر از اين به شما مي دهم، مي خريد؟ گفت براي كجا هستيد؟ گفتم براي ايران. گفت: این جنس را من مي خرم چون كارگر فرانسوي مشغول كار مي شود كه اگر از تو بخرم كارگر ايراني مشغول كار مي شود. من كه وظيفه ام اين نیست كه كارگر ايراني مشغول كار شود. يعني مغازه دار که باید وقتی به نفعش هست از تو با قيمت خيلي ارزان تر بخرد اما مي گويد اشتغال جوان مملكتم مهم است. بالاخره اين ها برایش تفهيم شده است.

ما نبايد بي خيال باشيم و بازارمان را به راحتي در اختیار هر كسي قرار بدهيم. يك جمله اي من عرض كردم اما بعد يك سري ها اعتراض كردند و آن اینکه "بازار ناموس اقتصاد كشور است" يعني كسي كه بخواهد از اقتصادش با غيرت و تعصب دفاع كند، بازارش را به هر كسي نمي دهد، دست نامحرم نمي دهد، بازار را نبايد به هر كسي داد، بايستي مواظب بازار باشيم. هر چيزي به بازار ما مي آيد تا پولهايمان را ببرند و جوانهايمان را بيكار بكنند. اين مساله، مساله بسيار مهمي است.

ما بدون اين كه كوچكترين آخي بگوييم و اصلا حس بكنيم كه كوچكترين اتفاقي افتاده است، 15 ميليارد دلار از 64 ميليارد دلار واردات كالايي كه در كشورمان است را مي توانيم كم كنيم. من از روي فهرست مي توانم به شما بگويم چه چيزهايي را اصلا نياوريم تا هيچ اتفاقي هم در مملكت نيافتد و آب از آب تكان نخورد و هيچ كمبودي هم احساس نشود.15 ميليارد دلار، مي دانيد يعني چند تا شغل؟ اين يعني 3 ميليون شغل، يعني همه بيكارهاي ايران بروند سر كار و به هيچ جايي بر نخورد و چيزي نيست كه اگر نباشد كمبودي احساس گردد و يا چيزي متوقف شود و يا مرغ توليد نشود و يا ماشين توليد نشود. نه، هيچ اتفاقي نمي افتد و همان مثالي كه براي شما زدم. ماشين، عروسك، اسباب بازي، گل مصنوعي، بادبادك. ميوه، شكلات، چوب بستني.

40ميليون يورو چوب بستني وارد شده به اين كشور در سال گذشته. 40 ميليون يورو، يعني 100 ميليارد تومان چوب بستني وارد شده است واقعا لازم است؟! خوب مي رفتيد چوب پلاستيكي مي زديد. ميمرديد؟! اين ها واقعيت داره و مي شود 15 ميليارد دلار چيزي كه مي شود وارد نكرد، همه ما داريم فقط وارد مي كنيم و مصرف مي كنيم از کجا؟! از آلماني كه دشمن ماست، توهين به پيغمبر ما مي كند. آخر غيرت هم خوب چيزي است. ما اگر وقتي مي رويم خريد از مغازه سر كوچه كه خيلي هم نزديك تر است به ما و ارزان تر هم مي دهد، يك فحش ناموسی بدهد ديگر نمي رويم آنجا و از او خريد نمی كنيم. بلکه دو تا كوچه بالاتر می رویم.

چطور ما راضي مي شويم كسي كه توهين مي كند به پيغمبرمان، برويم چوب بستني از اونها 40 ميليون يورو بياوريم؟! چطور غيرت ما اجازه مي دهد؟! خب نبايد اين كار را بكنيم. مشخص است كه پررو مي شود، باز هم توهين مي كند، ميگویند اينها كه حاليشون نيست، می گن پول بايد به من برسه كه مي رسه و بعد ما افتخار هم مي كنيم و مي گویيم علي رغم تحريم ها، مبادلات تجاری ايران و آلمان افزايش يافت.فکر کردی ‌كار خوبي شده كه افزايش يافته است؟! خب اينها را بايد مردم بدانند و موضع بگيرند. واقعا همه بيايیم آنها را تحريم كنيم و آن بستني فروش كه مي رود چوب از آنجا مي آورد بايد اعلام كنيم بستني او را تحريم كنيم و نخوريم و هر وقت رفت چوب ايرانی زد ما بستني مي خوريم. دنیا چه ارزشي دارد که بستنی که در آن هیچی نیست و ارزشی ندارد ما بخواهیم خفت و خواري را تحمل كنيم و از كشوري كه با ما دشمني مي كند، ما را تحريم مي كند، تهمت مي زند، سفارت خانه تعطيل مي كند، جاسوسي مي كند، خرابكاري مي كند، فتنه 88 راه مي اندازد، توهين به پيغمبرمان مي كند و همه كار مي كند؛ آن وقت ما برویم از آن جنس وارد کنیم و كارخانه هایش را به گردش درآوریم خصوصا در اين شرايط. باور كنيد كه دو تا حركت بشود آنها می مانند. شما الان فكر مي كنيد كانادا كه سفارتش را بست چقدر وارداتش به ايران كم شد؟ هيچي. فرانسه كه توهين كرد چي؟ هيچي. كدام شركت تعطيل شد؟ اين شركت ها كه لوازم خانگي فرانسوي بودند يك دونه آنها تعطيل شدند و بگن كه ما ديگر از فرانسه وارد نمي كنيم؟ بسيج اصناف نمي تواند اين كار را انجام دهد؟ بگویيم شما كه فلان مارك فرانسوي داري، آنها توهين به پيغمبرت كردند، بگو من ديگر جنس فرانسوي وارد نمي كنم. باور كنيد دو تا از اين كار ها بشود ديگر توهين نمي كنند و غلط مي كنند. اينها مي بينند كه ميدان باز است و هيچ كاري ما نمي كنيم در نتیجه رویشان زياد مي شود چرا که در قبال تحريم آن ها، ما تحريم نمي كنيم و كيف مي كنيم كه مبادلاتمان با آن ها افزايش يافته، بي خود افزايش يافته. اينها چيزهایی است كه بايد گفت و حس داد به جامعه كه بيايند موضع بگيرند مقابل كالا هاي خارجي، برود در مغازه و بگويد من كالاي ايراني مي خواهم و اگر جنس خارجي بهتر بود باز هم بگويد من جنس ايراني مي خواهم. اصناف ما بدانند در توزیع كالاي ايراني را ببرند بالا و به مشتري توصيه كنند و بگويند آقا اين را بخريد. بسيج اصناف چه بايد بكند؟ همين كار را بايد بكند.

**4- استفاده حد اكثري از همه ظرفيت ها**

ظرفيت هاي بي نهايت در كشورمان وجود دارد. بعضي ها مي گويند شعب ابيطالب هستيم، مي خواهند بترسانند مردم را و تسليم شوند. اولا اگر شعب ابيطالب هم بشويم يعني يك سرزمين بي آب و علف كه يك علف هم در آن سبز نمي شود يعني ريگ و سنگ مثل كوير لوت که شده شعب ابيطالب، نه رودخانه اي دارند كه بكارند نه انبار غذايي و هيچي ندارند، تكليف ما چيست؟ اگر مسلمانيم بايد راه پیغمبر را برویم و بگوییم مثل پيغمبر مقاومت كنيم، پيغمبر مقاومت كرد. مگر پيغمبر تسليم شد؟! و در آنجا که آنها را در یک زمین ریگ و سنگ محدود کردند پيغمبر مقاومت كرد تا بالاخره دشمن شكست خورد و تسليم شد البته با امداد الهي، اما تسليم نشد و بالاخره دشمن تسلیم شد. حالا بگوييم شعب ابيطالب است؟!

یک ميليون و 780 هزار کیلومتر مربع زمین داریم با اين همه آب كه به اندازه 150 ميليون نفر مي توانيم غذا توليد كنيم و بخوريم. اگر تمام مرز هاي ايران را آدم بچينند و نگذارند كه هيچ ايراني نه چيزي بیرون ببرد و نه چيزي به داخل کشور بياورد. آب داريم. بيل هم داريم كه بتوانيم زمين را بكنيم، بكاريم و غذا بخوريم. اینجا که شعب ابيطالب نيست. ظرفيت های مان را بايد شناسايي كنيم. خيلي از ظرفيت ها بلا استفاده هست و خيلي از ارزش هايي كه ما داشتيم را الان كنار گذاشتيم. توليد ارزش است. يك خانم در خانه 2 تا ميله بافتني داشت اين كارخانه بود. نزدیک 20 ميليون خانوار الان در ايران هستند، سالي يك عدد كلاه يا شال گردن مي شود 17 ميليون كلاه، 17 ميليون شال گردن. همه ژاكت هاي ما بافتني بود والان منسوخ شده. خانم داشت براي بچه اش قصه تعريف مي كرد و يا مثلا به بچه اش ديكته مي گفت و يا تلویزيون نگاه مي كرد و اين دستش هم كار مي كرد و نخ ها را به هم مي زد، مي شد كلاه، شال، جليقه. بدون كارخانه و مواد اوليه؛ یا انرژي مصرفي آن چقدر مي شود؟ از كجا مي آيد؟ بارش چه مي شود؟ فقط با دو تا گلوله نخ. تمام اين ظرفيت بلا استفاده است در حال حاضر. در گوشه حیاط خانه های مان مرغ داشتيم و همين ته مانده سفره را مي گذاشتيم جلوش، پوست خربزه، هندوانه، پوست خيار را خرد مي كرديم و يا آشغال سبزي خوردن، سبزي آش مي گذاشتيم جلوي اين مرغ ها و مي خوردند و به ما تخم مرغ مي داد، گوشت مي داد. خب الان همه اين ها منسوخ شده است و اين خيلي بد است. سگ نگه داشتن در خانه خوب شده ولي حالا مرغ و خروس نگه داشتن زشته. چرا؟ اين ظرفيتي است كه دارد هدر مي رود.

الان در همين پادگان ما اگر شما 400 كندوي عسل بگذاريد گل و چيز هايي كه زنبور نياز داره شيره آن را بمكد و عسل توليد كند هست خوب اين ظرفيت است كه بلا استفاده مي باشد. اين ظرفيت بايد استفاده شود. حالا رايج شده از رودخانه ها آمده اند انشعاب مي گيرند در مناطق كوهستاني حوضچه مي زنند و ماهي پرورش مي دهند. در حالي كه 10سال پيش از اين ظرفيت هيچ چيز استفاده نمي شد همين رودخانه ها بودند همين الان هم صد ها رودخانه هستند كه استفاده نمي شوند. يك انشعاب آب و بعد بر مي گردد سر جايش و هيچ اتفاقي هم نمي افتد. فقط 2 تا حوضچه مي خواهد كه بغل آن ماهي پرورش داده شود.

ما در كشورمان 250 هزار چاه رسمي داريم كه جواز دارند و همان طور كه آقايان كشاورزي مي گويند 750 هزار چاه كشاورزي غير رسمي داريم، يعني يك میليون چاه و از اين يك ميليون چاه مي گوييم 750 هزار تاي آن آب آن آهك دارد و گچ و ماهي نمي تواند در آن تنفس كند و... اگر 250 هزارتاي ديگر مفيد باشد براي پرورش ماهي يك حوض بگذارند زير آن و بچه ماهي بريزند زير آن، 2-3 میلیون تن ماهي مي شود پرورش داد در سال و اين ها ظرفيت است. ظرفيت توليد غذا است و شما هر چقدر بخواهيد از اين مثال ها هست. از شمال خوزستان راه بيفتيد برويد تا انتهای اروند تا نهر قميجه، هزاران بركه و نهر در آنجا آب شيرين هست اما شما ببينيد چقدر غاز و اردك در آنجا هست ؟! چند ميليون قطعه غاز و اردك مي توانند در همين بركه ها و نهرهای منشعب از كارون، كرخه، اروند و بهمن شير بچرند و هيچ هم مصرف نمي خواهند يعني هيچ غذايي نمي خواهد به آنها بدهي بلکه در همين علف ها و نيزارها بچرند و به شما گوشت بدهند، تخم بدهند. اين ها ظرفيت است و ما سريع مي رويم سراغ صنعت مرغ داري. يك صنعت وابسته درست كرده ايم و اين كه دانه آن از كجا بيايد؟ واكسن آن از كجا بيايد؟ تخم آن از كجا بيايد؟ در صورتی که به راحتي مي شود كه هر خانوار 50 تا 60 تا غاز اردك در خانه اش داشته باشد صبح ها در بركه رهايش كند و شب راهي لانه اش كند و تخم مرغ و گوشت خودش و چند خانوار اطرافش را تامين مي كند. از اين ظرفيت ها ما كم نداريم. از اين ظرفيت ها ما زياد داريم. و اگر شما يك زير زمين نمور داشته باشيد يعني نمناك كه پر از سوسك باشد، کافی است تميزش كنيد و ضد عفوني بكنيد، در 15 متر زيرزمين نمناك خراب كه رهايش كرده ايد و توجه به آن نمي كنيد 6 ميليون تومان درآمد از راه توليد قارچ مي توانيد داشته باشيد، در سال 6 ميليون تومان سود. با چقدر كار روزانه؟ مثلا شايد حداكثر 2 ساعت كار روزانه. يعني يك شغلي داری و 2 ساعت وقت کافی است که بروید به آن قارچ ها سري بزنید و برداشت كنید و رطوبطش را حفظ كنید 6 ميليون تومان سود محاسبه شده است. خب ما چه مي خواهيم؟ اينها ظرفيت هاست ظرفيت هاي بي نهايت در كشور ما موجود و در دسترس است براي كار كردن، براي اشتغال، براي توليد. خب اينها يكي از ارکان اقتصاد مقاومتي مي باشد که باید حواسمان جمع باشد. يكي از آقايان گفتند گرفتار بوده و بيكار بوده. بعد ديديم سرحال و خوشحال است. گفتيم چي شده؟ گفت پاگرد پشت بام خانه را قفس و فنس كشيدم و مرغ هاي تزئيني پرورش مي دهم و الان زندگي من مي گردد. يك پاگرد پشت بام بلااستفاده. اين را مي گويند شناخت ظرفيت ها و بكارگيري آن ظرفيت ها.

حالا وارد كارهاي بزرگ تر هم بشويم هست. اين ها كارهاي كوچك فردي است. شما ببينيد در كشورهاي ما چقدر بنر در سال استفاده مي كنيم؟ ميليون ها متر و شاید ده ها ميليون متر مصرف مي كنيم براي تبليغات، الان همه وارد مي شوند. چرا؟ ‌مواد اوليه اين براي پتروشيمي خودمان است مي گيرند ميبرند آنجا يا نفت خام از ما مي گيرند يا پتروشيمي ما را بنر مي كنند 50 برابر قيمت به خودمان مي فروشند. يك بشكه نفت 100 دلاري كه به آن ها مي فروشي؛ تبديل مي كنند به بنر، 1500 دلار مي شود همان یک بشکه نفت و به ما مي فروشند. چرا؟ 10 نفر آدم عاقل جمع بشوند يك صنعت پايين دستي در کنار يكي از پتروشيمي ها بزنند و اين كار را خودشان انجام دهند. اين ها ظرفيت هايي است كه در كشور ما هست، يعني يك بازار مصرف بزرگ، يك بازار مصرف به اين عظمت در دست شما هست، چرا نمي رويد و سرمايه گذاري نمي كنيد؟ اين ها ظرفيت هاي بلااستفاده که اگر من بخواهم تا صبح براي شما مثال می زنم. شما خودتان بايد مثال ها را در بياوريد براي بچه ها در حلقه های صالحین بازگو كنيد و با اين مثال ها مردم را به حركت در بياوريد و راه بيفتيد.

**5- روح خودباوري و خوداتكايي**

باور داشته باشيم كه مي توانيم. باور داشته باشيم، اعتماد به نفس داشته باشيم. شما نگاه كنيد به صنعت دفاعي، واقعا حادثه ای مثال زدني مي باشد، در یک دهه يعني دهه 80 در صنعت دفاعي ايران معجزه شده است. چيزهايي كه اصلا نبوده و علم اوليه آن هم بعضا نبوده در یک دهه ساخته شده است. زير سطحي، ماهواره، ماهواره بر، بي سيم، انواع رادار، پيچيده ترين رادار هايي كه فقط دو سه تا كشور در جهان فقط دارند، در همين ده سال ساخته شد. انواع موشك هاي ضد هوايي، ضد كشتي، زمين به زمين، اژدر و.... چطور اين اتفاق افتاد؟ اول كه آمدند در منطقه، نقشه جديد شان را اجرا کنند و به افغانستان حمله كنند دو اتفاق افتاد:

1- ايران را شدید تهدید کردند و همه احساس كردند همين امروز و فردا به ما حمله می كنند

2- تحريم، سلاح به ما نمي دادند و بعد به ما قطعات نمي دادند و در همين مرحله از سال 80 آمدند مواد اوليه را هم تحريم كردند. يعني گفتند آلومينيوم مثلا 20، 24 و یا فولاد فلان نوع و اينهايي كه در تسليحات نظامي كاربرد دارد را ممنوع کردند. سه كشور توليد می كردند در دنيا و ممنوع است و به ايران به هيچ وجه نمي دهيم، فلان فلز با خلوص فلان، فلان مواد شیمیایی و فلان چیز که کاربرد تسلیحاتی دارد همه رو ممنوع کردند و همین دو تا باعث شد که از تهدید و تحریم یک جهش درست شد، جهشی که فقط معجزه است، یعنی کسی بگذارد جلوی خودش لیست اتفاقاتی که در این 10 سال افتاده، شگفت زده می شود که چطور این همه اتفاقات افتاده؟ خودرو ساخته شده، بی سیم ساخته شده، اصلا ما بی سیم نداشتیم همه واردات بوده، خودروی تاکتیکی ساخته شده، موشک ساخته شده، کشتی و ناو جنگی ساخته شده، ناوچه جنگی ساخته شده، زیر دریایی ساخته شده، اژدر ساخته شده و همه چیز، بی سیم روی آب، بی سیم زیر آب، بی سیم توی هواپیما، رادار زمینی و ... هیچ کدام از این ها نبوده تا قبل از سال 80، تهدید و تحریم. چون انسان یک انرژی هایی را دارد که در شرایط ویژه اگر بخواهد می تواند از آن استفاده کند. انسانی که گرگ به او حمله می کند با سرعتی دو برابر سرعت قهرمان دوی جهان می دود، چون تهدید می شود و می خواهد جانش را حفظ کند. منتها زمانی که اعتماد به نفس داشته باشد، کُپ نکند، وحشت زده نشود، نگوید من تسلیم و آقا گرگه بیا من رو بخور، اگه این جوری نباشه و اعتماد به نفس داشته باشد، باور کنید که قهرمان دوی جهان که 100 متر را در 10 ثانیه می دود، به یک پیرمردی که همین الان بگویید بدود، می گوید من اصلا چه جوری بدوم؟ اگر گرگ او را دنبال کند او این 100 متر را در 8 ثانیه می دود، رکورد قهرمان دوی جهان را هم می شکند. مساله، جان فرد است ولی اعتماد دارد و می گوید من می توانم خودم را نجات بدهم، تسلیم نمی شود. این اعتماد به نفس، ظرفیت های ناشناخته را که در وجود ما هست بکار می اندازد و انسان در شرایط فوق العاده، کارهای عجیبی از او سر می زند.

همین الان اگر به شما بگویند از این بالا بپر پایین، اصلا ممکن نیست. ولی اگر اینجا آتش زبانه بکشد و محاصره شده باشید و هیچ راهی نداشته باشید برای حیات از این بالا می پرید پایین و پای شما هم شاید پیچ بخورد ولی مشکلی نیست، یعنی در شرایط فوق العاده ظرفیت های ناشناخته اش شکوفا می شود. ما باید اعتماد به نفس داشته باشیم. این را باید بازگو کنیم و به جای اینکه منفعل بشویم، حرکت کنیم و از انرژی خود استفاده کنیم و ظرفیت های ناشناخته را بکار بگیریم و اعتماد به نفس داشته باشیم. این یک اصل است، روح خود باوری، خود اتکایی و بدانیم که می توانیم.

بعضی از این مدل رادارهایی که ما ساختیم ما فهمیدیم که یکی از این کشورها دارد و ما را فرستادند آنجا و جلساتی داشتیم که شما این را به ما بدهید، اصلا انکار کردند و می خندیدند که همچنین چیزی که شما می گویید امکان ندارد و محال است و تکنولوژی را انکار می کردند. ولی بچه های خودمان این را ساختند و عملیاتی است و تولید انبوه شده است، نه اینکه یک مدل آزمایشگاهی ساخته باشیم بلکه الان تولید انبوه در دست یگان ها است. یک ابرقدرتی، منکر این تکنولوژی است که ممکن نیست و اصلا می گوید حرفش را هم نزنید و همچنین پدیده ای را نمی شود به وجود آورد؛ و در حالی که بچه ها الان تولید کرده اند. می توانیم، واقعا می توانیم که این کارها را انجام دهیم، در صورتی که خود را باور کنیم، این مساله مهمی است.

**6- مردمی کردن اقتصاد**

این محور خیلی به مردم و مخاطب های ما ربط دارد. اقتصاد نباید فقط دولتی باشد، مردم باید بیایند در صحنه، خب یک وقت ما به دولت انتقاد می کنیم که خصوصی سازی کنید.

اما وقتی مخاطب مردم هستند چه باید بگوییم؟ باید بگوییم مردم عزیز سرمایه خود را بردارید و بیاورید در تولید. خدای متعال می فرماید:

"الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونهم فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم"

کسانی که طلا و نقره ذخیره می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند به عذاب دردناکی آنها را خبر بده. یعنی چی که ما در خانه هایمان طلا و نقره و ارز و... ذخیره می کنیم؟! آقا این سودش بیشتر است، زمین بخریم قیمتش می رود بالا. خوب حتما باید سودش زیادتر شود، خوب اون سود به چه درد تو می خورد، بلاهایی که الان آمده چیزهای کمی هستند؟! این گرد و غبارهای که آمده. هفته پیش ما در ایلام بودیم، دیدیم یک سری درخت های بلوط خشک شده اند. گفتیم چه شده؟ گفتند غباری که می آید می نشیند روی برگها و تنفس نمی توانند بکنند برگها و درخت خشک می شود. در کوه هم هست و کاری نمی توان کرد. مثلا اگر باغی بود با آب پاش آبی می پاشیدند و می شستند، در سینه تیز کوه است. این جنگل ها که اگر از بین برود چه اتفاق و فاجعه ای رخ می دهد در محیط زیست؟ این بلا ها را شما دست کم نگیرید "فبشرهم بعذاب الیم" نگفته حتما روز قیامت هست، شاید همین عذاب های دنیایی هم جزء آن باشد.

خشکسالی، دریاچه ارومیه خشک شد و بعضی ها آمدند استفاده سیاسی و تظاهرات کنند، با تظاهرات که دریاچه تر نمی شود، هرچقدر هم محاسبه می کنند که دو سه سد زدند بالا دستش و ورودی آب آنها به دریاچه این مقدار بوده که خود مردم از آب سد استفاده می کنند و اگر این سدها بشکند و آب را رها کنید در مقابل خشکسالی دریاچه عددی نیست و این دریاچه دارد خشک می شود، باور کنیم این ها ارتباط با عالم معنا دارد و این طور نیست که ما گناه کنیم بی پروا. چرا باید این قدر جوان بیکار داشته باشیم؟ پول هایمان را ذخیره کنیم، کسی نمی خواهد شما مجانی پول هایتان را بدهید، پول ها را بیاورید و به جریان و کار بیاندازید و به جای اینکه بگوییم سود طلا این درصد است و یا دلار بخریم این قدر می رود بالا، خوب اگر شما بیایید یک کارخانه آب انگورگیری راه بیاندازید مثلا در ارومیه، قزوین، زنجان و... تا این انگورهای مردم نپوسد و نرود در خاک، برای هزاران نفر اشتغال به وجود بیاید، این ممکن است 10 درصد سود داشته باشد، خب باشد این سود برکتش فرق داره، همه پول را ببریم جایی که خیلی سود دارد، آن پول هایی که راکد بوده در صندوق خانه ها را بیاورند بیرون.

مردمی کردن اقتصاد یک بعد آن این است که ما به دولت نق می زنیم که اقتصاد را بدهید به مردم و بعد دیگر این که خصوصی ها بیایند سرمایه گذاری کنند، یک ثروت کوچکی اگر کسی داشته باشد یک موسسه یا شرکتی را راه بیاندازد برای جمع آوری عسل از مردم روستاها، تمام روستا می روند دنبال کندوی عسل چون می بینند کسی جنس آنها را می خرند.

شما یک کامیون داشته باشید در همین مناطق روستایی با یک بلندگو دِه به دِه بگویید روزهای چهارشنبه اول ماه می آییم و مرغ های شما را می خریم. کیلویی این قدر، یعنی با سرمایه گذاری یک کامیون، بیاورید کشتارگاه پَر بِکنند، بسته بندی کنند، مرغ طبیعی و محلی، کل مردم تشویق می شوند که مرغ در خانه پرورش دهند و این کار را رها نمی کنند چون می بینند که خریده می شود.

و یا بگویید من تخم مرغ های شما را در فلان ساعت می آیم و یک شرکت کوچک را ایجاد کرده و روستاییان را جمع کرده و روستاییان ترغیب می شوند مرغ اضافه کنند، تخم مرغ اضافه کنند، چون یک نفر خریدار تضمینی پیدا شده است. یک شرکت کوچک ایجاد کند.

چند نفر که یک اندک ثروت دارند و پول اندکی دارند بیایند کامپوست قارچ را با بذرش بسته بندی کنند بین روستاییان و بین مردم پخش کنند و بگویید قارچ خود را به من بدهید و این مقدار به شما دستمزد می دهم با یک سرمایه ای، سرمایه داشته باشد و بدهد به روستایی و بگوید که این را بگذار در انباری و یا آغلی که الان بلااستفاده است آموزش بده که، ضدعفونی کن و این را بگذار آنجا، در مدت 20 روز این طور می شود و اینطور برداشت می توان کرد و بعد بده به خود من و خودم خریدار هستم، حالا شما بگویید این جوری 15 درصد سود دارد اما بگذاری بانک 25 درصد سود دارد و یا طلا بخریم 2 برابر می شود و یا ارز بخریم می شود 3 برابر، این چرتکه انداختن چی؟ اینها رزق و روزی ما را می برد. و این ترغیب مردم است برای سرمایه گذاری کردن و الان محاسبه می کنند که چندین میلیارد دلار، در خانه مردم است، یعنی چی؟ این را بیایم راه بیاندازیم، برکت به زندگی ما برمی گردد.

این مردمی کردن اقتصاد یعنی مردم بیایند در اقتصاد، سازماندهی کنند، موسسه راه بیاندازند تولید را رونق بدهند.

حالا یک حرفهایی هم خطاب به دولت می باشد که ارتباط اقتصاد با نفت را قطع کنید، زمان طرح ها را کوتاه کنید، صنایع دانش بنیان را اهمیت دهید. این ها فرمایشاتی است که حضرت آقا بیان داشته اند به دولت، به دستگاه های قضایی. مبارزه با مفاسد اقتصادی و مدیریت منابع مالی یکی از مسائلی اقتصاد مقاومتی می باشد و از ارکان کار می باشد.

منتها این 6 مؤلفه که من عرض کردم و سر شما را درد آوردم این ها ارکانی هستند که مخاطبانش خود مردم هستند و ما باید این مطالب را با روایاتش و احادیثش بیان کنیم- وقتی می گوییم حمایت از تولید داخلی بحث اینکه ما حق نداریم سلطه بیگانگان را بپذیریم. قاعده نفی سبیل بیان شود و نمونه های تاریخی و اینکه بزرگان و علما و دیگران چه کار کرده اند؟ اقتصادهای دنیا چه کار کرده اند؟ گاندی در هند چه کار کرده با کالای خارجی؟ این ها را باید بگوییم مقاومتی که صورت گرفته نمونه های زیادی داره، هم نمونه های تاریخی و هم انقلابی. باید ما بتوانیم با موارد و اشاره ها با توجه به احادیث و روایات و آیات قرآن و با استدلال و به شکلی که بتواند انگیزه بدهد و تحریک کند مخاطب را به حضور، یعنی فردا برود کاری انجم بدهد و اگر دید که مثلا پدرش دارد طلا ذخیره می کند با پدرش صحبت کند و او را مجاب کند که پولش را بیاورد در بازار و اقتصاد را راه بیاندازد.

ما این همه ساحل داریم در تمام این سواحل که 3700 کیلومتر در شمال و از آن طرف 2000 کیلومتر ساحل در جنوب که در تمامش شما میتوانید حوضچه های ماهی، پرورش میگو راه بیاندازید، سرمایه را بیاورید اینجا خب ممکن است به اندازه بالا رفتن طلا سود نداشته باشد اما بالاخره سود دارد و ده ها کارگر مشغول می شوند و چقدر شیرین است که آدم با سرمایه ای که دارد بیاید 20 خانوار را راه بیاندازد، و آنها دعاگوی او می شوند. چرا این کار ها را ما نکنیم؟ چرا در صندوق خانه بگذاریم؟

خب این یک کار سنگین می خواهد و برادران ما در قسمت فرهنگی باید کار بکنند، مستند، فیلم و... درست شود یا گرافیگ یا پوستر تهیه گردد، شعار برایش تهیه گردد، پیامک تهیه شود، فیلم کوتاه برایش تهیه شود، و بیاید سر زبان مردم و این مطلب بحث شود و جزو گفتگوهای مردم شود و مردم، حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی را مطالبه کنند و بدانید اگر که این حرکت آغاز بشود دشمن به شدت مایوس خواهد شد. اینکه مردم با این رویکرد حرکت کنند در اقتصاد مقاومتی، دشمن به شدت مایوس خواهد شد چون ملت ما را تجربه کرده است و عقب نشینی خواهد کرد. اگر ما رفتیم در حالتی که دشمن را کمک کردیم، وقتی ارز گران شد و رفتیم دلار خریدیم که این گران تر شد و پول را در خانه انبار کردیم یعنی کمک کرده ایم به دشمن و دشمن در هدفش موفق می شود.

باید ما همت کنیم و خوب بتوانیم بیان کنیم. هم برادران در تربیت و آموزش مطالبی که می خواهند تهیه کنند برای مربیان و سرمربیان، خوب و انگیزه بخش و با مثال و نمونه های عینی و مبتنی بر مبانی دینی و با استدلال و منطق قوی و پویا باشد و هم برادران در تبلیغات زحمت بکشند ما بتوانیم شاهد یک موج باشیم.

ما الان خودمان را برای عمل آماده کرده ایم و این طور نیست که فقط شعار دهیم و خود سازمان بسیج، قرارگاه جهاد اقتصادی دارد که در این قرارگاه برای 14 عنوان تولید محلی دم دستی که مردم عادی می توانند انجام بدهند برنامه ریزی می کنیم، یعنی طرح اقتصادی برایش درست می کنیم و حمایت های مالی درست می کنیم و خود دولت حمایت دارد و خود ما هم داریم حمایت مالی درست میکنیم برای کمک های بیشتر. در حال تدوین برنامه های آموزشی هستیم.مثلا برای تولید مرغ خانگی برنامه آموزشی تهیه می کنیم جزوه تهیه می کنیم. چگونه بروند این را ترویج کنند؟ در ابعاد چند تایی باشد به صرفه است؟ و چگونه این را جمع آوری کنند؟ تمام این ها جزوه می شود آموزش داده می شود در رده ها، پشتوانه های مالی برایش پیش بینی می شود.

این موج را که شما راه بیاندازید این بستر را آماده می کند که آدم ها بیایند. امروز من رفته بودم دانشگاه تربیت بدنی، در آنجا اجلاسی بود برای بررسی مراکز استعدادیابی، آمده بودند سراغ ما که اگر شما حمایت می کنید ما ظرفیت داریم قارچ پرورش دهیم یعنی می آییم. کاری بکنیم بیایند سراغ ما، بیایند و بگویند که ما می خواهیم عسل تولید کنیم، قارچ تولید کنیم، تخم مرغ تولید کنیم، مرغ تولید کنیم.... بگذاریم به حرکت در بیایند.

ما الان دو و نیم میلیون هکتار زمین زیر سد ها را داریم که شبکه آبیاری ندارد و اگر این دو و نیم میلیون یا سه میلیون هکتار زمین که ما زیر سدها داریم شبکه آبیاری آن وصل شود تولید استراتژیک کشاورزی ایران می شود 2 برابر، یعنی حداقل ما بیشتر از گندمی که در کشور تولید می کنیم می توانیم تولید کنیم، یعنی دو و نیم میلیون شغل می توانیم ایجاد کنیم، چون هر هکتار زمین آبی یک شغل است و این بحث علمی است، منتها کجاست همت؟ این پول هایی که خوابیده در صندوق خانه ها بیاید بیرون و برود این کانال ها را بکشد، الان دولت می گوید بروید این زمین های کشاورزی را آباد کنید و من کمک می کنم و حتی برای آبیاری تحت فشار یعنی کسانی که آبیاری قطره ای کنند، آبیاری تحت فشار کنند و بارانی کنند به ازای هر هکتار بلاعوض سه و نیم میلیون تومان دولت پول می دهد، همه ما دوست داریم این پول را تبدیل کنیم به زمین و سکه و ارز تا قیمتش برود بالا. خوب این پول را بردارید بیاورید اینجا و زمین را آباد کنید، دو و نیم میلیون شغل کم نیست و حالا کِی قراره این آباد شود؟ این سدها هرسالی که از آن می گذرد دارد عمرش تمام می شود، منتها کانال ها هنوز کشیده نشده است. میدان برای کار فوق العاده زیاد است.

زمین ها را بگذارید کنار، اگر ما با آموزش درستی که می دهیم همین زمین هایی که زیر کشت هستند را بهره برداری کنیم 2 برابر این را می توانیم محصول برداشت کنیم، شما ببینید اگر می خواهید صحت حرف من را بسنجید در اطلاعات جستجو کنید که کسانی که کشاورز نمونه شده اند چه کار کرده اند؟ مثلا کشاورز نمونه در کشور ما از یک زمین چند تن سیب زمینی یا چغندر یا گندم برداشت کرده اند؟ این عدد را بگیرید و بعد مقایسه کنید با متوسط کشور، می بینید بیشتر از 2 برابر می باشد یعنی همان کاری که اون آقای کشاورز نمونه کرده و به موقع کارهای علمی و مراقبت هایی که باید سرموقع انجام داده، اگر بتوانیم همین را به موقع در بسیج به بقیه کشاورزان آموزش دهیم و مجابشان کنیم که این کارها را بکنند می توانیم بدون اینکه کار جدیدی کرده و کانال جدیدی کشیده باشیم، کشاورزی را 2 برابر کنیم.

میدان کار خیلی زیاد است اقتصاد مقاومتی یعنی این، یعنی حل کردن این مسائل، شناخت این مسائل، این مدل ها که بحث شد باید تبیین کنیم و بیاوریم در میدان، جوانان بیایند، بسیجی ها بیایند این انرژی که بسیج دارد که در جبهه درخشیدند و آن طور در عرصه های انقلاب درخشیدند در عرصه های فرهنگی در عرصه های امنیتی بیایند در عرصه تولید، این انرژی را بتوانیم آزاد کنیم در عرصه تولید و حالا آقایی که مثلا مداح است می گوید ما اینجا چه کاره ایم؟! آقایان مداح که می خواهند بروند محرم، صفر در صحبتهایشان بگویند آقا ما چیکار بکنیم؟ همه اقشار کار دارند. روحانیون این مطالب خود را شیوا بنویسید مستند به حدیث و روایات و آیات، اول محرم که می خواهند بروند دستشان بدهیم و اصلا برویم با مراجع صحبت کنیم این جزوه را به مراجع عظام بدهیم و زمانی که آقایان طلاب و روحانیون می خواهند بروند شهرها و روستاها، به آن ها بگویید و از آنها بخواهید بگویند:

- چرا در روستاها مرغ خانگی نیست؟

- چرا در روستاها ما مرغ و اردک نیست؟

\_چرا کارهای تولیدی را گذاشته اید کنار و همه شما شده اید مصرف زده؟

\_ دو تا گوسفند گذاشتن کنار خانه روستایی چه اشکالی داره؟

ما این برنامه گفتمان را از آبان رسما باید شروع کنیم و نهایتا به طور جدی از 15 آبان تا 15 دی وقت آن است که می شود در همین محرم. اگر در محرم مداحان و طلاب، خوب این مساله را حس کنند و درک کنند این مساله عمیق را با مثال ها و پاسخ به شبهاتش و به مردم بالای منابر بگویند خیلی قدم بزرگی را برداشته ایم یعنی جوشش می افتد بین مردم، به اصناف بگویند که سرمایه گذاری کنید و به همه با زبان خودشان بگویند همین 2 تا قشر اگه خوب در این محرم استفاده کنند و تبیین کنند به آموزش اقتصاد مقاومتی و بیان دیدگاه های آقا در این مورد، ما قدم خیلی بزرگی برداشته ایم.

فلذا هیچ قشری بیرون از دایره نیست و خصوصا کسانی که زبان تبلیغ دارند و امیدواریم این کارها واقعا انجام بگیرد و در زمان کوتاه، ما این بسته های اطلاعاتی را تهیه بکنیم و به صورت پرده نگار و یا به صورت جزوه این ها را تهیه کنیم و در اختیار اقشار قرار دهیم. نشریاتی باید تهیه شود و بتواند به جریان بیافتد و حلقه های صالحین در این 2 ماه اشباع کنند جوانان را از اطلاعاتی که باید بدانند و فرمایشات آقا را بدانند و همه به حرکت بیافتند.

این ها می توانند از خود مردم محل مثال بیاورند من خودم رفتم در دیواندرّه کردستان، مردم استقبال کرده بودند در همین جمعیتی که آمده بودند به جوانی رعنا گفتم شما چه کاره ای؟ گفت بیکارم. به بغلی او اشاره کرده و گفتم شما چه کاره ای؟ گفت من کندوی عسل دارم، سال گذشته 30 میلیون درآمد داشته ام، یعنی در همان محل آن کسی که در مقابل این حرفهای ما به طعنه می گوید تو سواره ای یا پیاده جواب بدهیم همسایه شما که مثل خودت است این همت را دارد و شما هم همین قدر همت کن. گفت من بلد نیستم. به او یاد بدهیم. گفت سرمایه ندارم. بگوییم باشه به شما وام می دهیم. کندو قسطی می دهیم، دستگاه جوجه کشی قسطی میدهیم تولید کن پولش را بده. یعنی از خود محل، برای اینکه ما منفعل نشویم نمونه های زیادی است که اهل محل نسبت به کار جدی بودند و رفتند انجام دادند.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بخشیم مساله تورم حل خواهد شود، مساله اشتغال حل می شود، اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا می کند، اینجاست که دشمن با مشاهده این واقعیت مایوس و ناامید می شود و وقتی دشمن مایوس شد تلاش دشمن توطئه دشمن هم تمام خواهد شد". این صحبت حضرت آقاست و این تحریم و جنگ اقتصادی آخرین ترفند آنهاست و چیزی برای ارائه کردن ندارند. این ها فرمایشات حضرت آقا بوده و انتظار ماست. از خداوند میخواهم توفیق دهد اقتصاد مقاومتی را خودمان پیاده کنیم و همه جامعه را به تحقق آن ترویج کنیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته